

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا. م. شیرینی

۲۷ نومبر ۲۰۱۸

تحریمهای "آقای جهان"، اوپوزیسیون مزدور و مخالفان مالتوسیانیست رژیم ایران

پس از اتمام به اصطلاح دوره شش ماهه تنفس در پی خروج ماجراجویانه امپراتوری امریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در اردیبهشت ماه [ثور] سال جاری، آقای دونالد ترامپ، رئیس جمهور دورمی امپراتوری امریکا اجرای دور دوم و شدید تحریمهای اقتصادی - مالی از ۱۴ آبان [عقرب] به ضد ایران را اعلام کرد. دور اول از ماه مرداد [اسد] اجراء می شود.

نکته اینجاست که ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب بهمن ماه [دلو] سال ۵۷ تحت محاصره اقتصادی و تحریمهای امریکا قرار گرفت و همواره با کمی شل و سفت کردن ها ادامه داشته و دارد. بنا بر این، مسأله تحریمها، به سخن دیگر، جنایت جنگی امریکا به ضد ایرانیان به هیچ وجه یک اقدام تازه و حیرت انگیزی نیست.

امپراتوری امریکا توأم با اعمال دور تازه تحریمها علیه ایران، نه تنها قصد دارد تحت فشار تحریمهای اقتصادی - مالی به اهداف استعماری خود در کشور ما دست یابد، حتی، تمامی کشور های جهان را تهدید می کند، زیر فشار قرار می دهد تا به تحریمهای ضد ایرانی آن بپیوندند، روابط تجاری خود را با ایران قطع نمایند.

البته، دور از انصاف است هر گاه از "مرحمت" عمو سام یاد نکنیم. چه که بعد از اعلام دور تازه تحریمها علیه کشور ۸۰ میلیونی ایران، "مرحمت آقا" شامل حال هشت کشور - جاپان، کوریای جنوبی، ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان به اضافه دو کشور بزرگ و پر جمعیت چین و هند گردید و اجازه داد آنها موقتاً از ایران نفت بخرند. بسیار خوب، ما هم مثل همه اصلاً نمی پرسیم آقای یانکی تو چه کاره جهان هستی، که برای همه تعیین تکلیف می کنی، می گوئیم: ممنون از مرحمت شما آقای یانکی! و گر نه تحریم می شویم و "حسابهای" دالری ما را هم مسدود می کند.

با این وصف، معلوم است که "آقای جهان" بنا به ماهیت و خصلت ذاتی خود عمل می کند و با توسل به روشهای قلدری، گردن کلفتی و زورگیری چالهمیدانی به جنایات جنگی دست می زند، مرتکب جنایت علیه بشریت می شود، نه فقط ایران، بلکه همه کشورهای "نامطلوب" را تهدید می کند، به آشوب می کشد.

تا اینجا شاهد اتفاق تازه و بدیعی نیستیم. جالبتر از آن، واکنشها و عکس‌العمل‌های جریانهای مختلف اعم از حاکمیت کشور و طیفهای مختلف مخالفان آن (عمدتاً، اوپوزیسیون مزدور و مخالفان مالتوسیانیست) در مقابل محاصره اقتصادی و تحریمهای عمو سام است.

موضع اوپوزیسیون مزدور نیز مانند ارباب جهان، چندان پیچیده نیست که نیازمند تحلیل و بررسی خارق‌العاده باشد. این بخش اوپوزیسیون از تحریمهای امپریالیستی آشکارا حمایت می‌کند و شب و روز دست به دعا نشسته، در موقع بیکاری در راهروهای مراکز جنایت عمو سام در پشت درها به گوش می‌ایستد، ناخن به هم می‌ساید به امید آن که یکی از قابله‌های جنگ خبر هجوم تروریستی "عمو" به ایران را به اطلاعاتشان برساند و آنها را سوار بر بمب‌ها و راکت‌های امریکائی به تخت قدرت و سلطنت در ایران بنشاند.

در اینجا اما قابل تأمل‌تر از این، موضع اوپوزیسیون مالتوسیانیست است. پیش از اشاره به مواضع مخالفان مالتوسیانیست، توضیح مختصر در باره این "نظریه" ارتجاعی تقریباً ناشناخته در صحنه سیاسی لازم به نظر می‌رسد. **مالتوسیانیسم** یک نظریه به غایت ضد انسانی است که ارتجاعی‌ترین تضاد آشتی‌ناپذیر بین منافع خلق و منافع سرمایه انحصاری را بازتاب می‌دهد. این نظریه ضدبشری از نام توماس مالتوس کشیش و اقتصاددان انگلیسی اخذ شده است.

"توماس مالتوس (۱۷۶۶- ۱۸۳۴) عقیده داشت که جمعیت بشری بسیار سریع‌تر از میزان از دیاد مواد غذایی رشد می‌کند و از این مقدمه نتیجه می‌گرفت که گویا خود توده‌های مردم علت بدبختی موجود هستند. زیرا، زاد و ولد سریع آن‌هاست که موجب گرسنگی و تنگدستی می‌شود. طرفداران نظریه مالتوس نظام اجتماعی و مناسبات تولیدی و استثمار را نادیده می‌گیرند و به نقش علم و تکنیک و دستاوردهای آنها توجهی ندارند" (این قسمت به نقل از: [ویکی‌پدیا](#)).

این نظریه ضدانسانی در حال حاضر در کلیه کشورهای سرمایه‌داری، به ویژه، در کشورهای امپریالیستی غرب در قالب نئومالتوسیانیسم به طور گسترده به کار بسته می‌شود.

خلاصه و چکیده "نظریه" مالتوس عبارت از این است، که قربانیان نظامهای مبتنی بر مالکیت خصوصی و استثمار، خود مقصر بدبختی‌های خود هستند و تبلیغات بورژواری نیز با اشاعه گسترده این نظریه، "**حس خود مقصری**" را وسیعاً در اذهان عمومی حقه کرده است. به طوری که حتی بخش قابل توجهی از جریانهای که خود را پیرو سوسیالیسم علمی می‌پندارند (آری، فقط می‌پندارند)، از تأثیر مخرب این نظریه در امان نمانده‌اند.

این بخش مخالفان که طیف گسترده‌ای از طرفداران ناآگاه سوسیالیسم علمی و سوسیال-دموکرات‌های از لحاظ تاریخی متحد هارترین جناحهای سرمایه‌داری و حامی سنتی فاشیسم تا دموکرات‌ها و سکولارها را تشکیل می‌دهد، به موازات تقبیح تحریمهای "آقای جهان" علیه ایران و تشریح مبسوط عواقب مخرب آن در زندگی اجتماعی توده‌های آسیب‌پذیر جامعه، علت اصلی تحریمها را "ماجراجوئی‌ها" و "بلندپروازی‌های" رژیم ایران قلمداد می‌کنند.

به این ترتیب، طیف فوق‌الذکر تحت عناوین دموکراسی‌خواهی و مبارزه با دیکتاتوری و استبداد، با "ماجراجوئی و بلندپروازی رژیم ایران"، در واقع با پیروی از "نظریه" ارتجاعی مالتوس، ماهیت ذاتی امپریالیسم را از مرکز توجه خارج می‌کنند، ماجراجوئی‌های روزمره و دورپروازی‌های آن را در سایه قرار می‌دهند. تا جایی که یکی از معتبرترین جریانهای این طیف به دنبال نابودی لیبیا به واسطه ارتشهای تروریستی امریکا و ناتو، "**دیکتاتورها را مسبب حضور امپریالیسم در منطقه**" عنوان کرد. این گفته چیزی نیست جز بیان صریح روح مالتوسیانیسم! همین طیف به جای مبارزه با ریشه و منشای دیکتاتوری و استبداد، در واقع، شاخه‌ها و برگ‌های آن را عمده می‌کنند و با آنها "می‌جنگند". آنها توان درک این را ندارند که دموکراسی، دیکتاتوری و استبداد مفاهیم طبقاتی هستند و نظام سرمایه‌داری امروز در مرحله امپریالیستی خود، در عین حال، خشن‌ترین و بالاترین مرحله دیکتاتوری و استبداد نیز محسوب می‌شود.

جنگهای تروریستی - استعماری، جنگهای مرئی و نامرئی، تهاجمات گسترده اقتصادی - مالی، ایدئولوژیک، فرهنگی، روانی امپریالسم علیه خلقها و ملت‌های مختلف جهان، به ویژه، در دوره زمانی دو- سه دهه اخیر که مقابل چشمان نسل‌های حاضر روی می‌دهد، گواه بارز این مدعاست. البته، طنز جالب اینجاست که برخی از این جریانها خود را "طاهر ذوالیمینین" می‌پندارند و با طرح "خط سوم"، گویا، هم علیه دیکتاتوری "می‌جنگند" و هم "نیشکی" به امپریالیسم جهانی می‌زنند.

گذشته از این که مقامات دولتی ایران و مخالفان مالتوسیانیست یا حتی مخالفان مترقی و میهن‌دوست آن در مقابل تحریم‌های امپریالیستی "اقای جهان" به ضد جمعیت ۸۰ میلیونی کشور ما چه موضعی اتخاذ می‌کنند و تأثیرات مخرب آن را بر زندگی اجتماعی توده‌های ستمدیده جامعه چقدر واقع‌بینانه توضیح می‌دهند یا نه، از همه بیانات و اعلام مواضع، می‌توان اینگونه استنباط کرد که گویا محاصره اقتصادی و اعمال تحریم علیه هر کشور دلخواه حق قانونی عمو سام است. منتها، به نحوی از انحاء از آن می‌خواهند "به خاطر" رنج و عذاب توده‌های محروم جامعه از این حق خود صرف‌نظر نموده، تحریمها را لغو نمایند و در بهترین حالت، سعی می‌کنند راه‌هایی برای دور زدن تحریمها بجویند. اما، روشن است که جست و جوی راه‌های دور زدن تحریم در واقعیت امر، چشم فرو بستن بر منشا و مبداء آن است. یعنی، این "را محل" کار ساز نیست، به طور کلی "را محل" نیست. چون ریشه همه مشکلات در جای دیگر نهفته است. سرمنشاء و ریشه همه مشکلات و بدبختی‌های جامعه انسانی در آنجاست که سرمایه‌داری جهانی در مرحله امپریالیستی خود یکسری مکانیزمها و ابزارهایی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی (قمارخانه‌های بین‌المللی)، چاپ نامحدود دالر کاغذی و صدور آن، سوخت و غیره را در اختیار امپراتوری تروریستی عمو سام قرار داده، آن را در جایگاه لات و باجگیر جهانی نشانده و آن هم با چنگ انداختن به همان اهرمها و مکانیزمهای انحصارات، تروریسم را به سطح سیاست دولتی رسانده، به قتل‌عام و نسل‌کشی خلقها و ملت‌ها دست می‌زند، کشورهای مختلف، از جمله، میهن ما را به محاصره اقتصادی در می‌آورد، با استفاده از حربه تحریم، تمام جهان را ارعاب و تهدید می‌کند، دستور "بشین - پاشو" می‌دهد.

با این تفصیل، یک فکر مترقی قبل از هر چیز، می‌بایست همان مکانیزمها، ابزارها و اهرم‌های انحصارات سرمایه‌داری را به نبرد فراخواند، چنان طرح‌ها و راهکارهایی را مطرح نماید که بتواند اجماع جهانی برای خلع ید امپراتوری امریکا از آن ابزارها و مکانیزمها به وجود آورد. این تنها کلید حل مشکلات و معضلات اجتماعی نه فقط در جامعه ایران، بلکه، در تمامی جوامع بشری می‌باشد که امروز تحت سلطه انحصارات سرمایه‌داری شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین فشارهای سیاسی، اقتصادی - مالی، اجتماعی، معیشتی، فرهنگی، اخلاقی و روانی تاریخ را تجربه می‌کند. خلاصه کلام، وظیفه یک تفکر مترقی فقط وصف وضع موجود نیست، توصیف معضلات و نگون‌بختی‌های اجتماعی و تجویز مُسکن هم نیست. مهم‌تر و بالاتر از آن، جست و جو و یافتن راه کارها و دست زدن به اقدامات قاطع در جهت تغییر نظم موجود، در جهت حل بنیادی معضلات اجتماعی و قطع بنیادی ریشه آنها، یعنی امپریالیسم است. تجارب تاریخی نیز نشان می‌دهد که هیچ مبارزه‌ای بدون تمرکز بر روی عامل اصلی، یعنی امپریالیسم و شناخت روشهای مداخله و دسایس آن، شانس پیروزی ندارد.

۵ آذر - خوس ۱۳۹۷